مطالعات حقوق تطبیقی
دورهٔ ۶، شمارهٔ ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۴
صفحات ۷۵۱ تا ۷۷۱

مطالعهٔ تطبیقی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی نفتی عراق و ایران

محمدجعفر قنبری جهرمی
استادیار حقوق بین‌الملل دانشکدهٔ حقوق دانشگاه شهید بهشتی
(Mjg.jahromi@gmail.com)
مجتبی اصغریان[۱]
دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشکدهٔ حقوق دانشگاه شهید بهشتی
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۶ ـ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۶)

چکیده
قراردادهای خدماتی بالادستی نفت و گاز دارای ابعاد متفاوت حقوقی، قراردادی، مالی، اقتصادی، فنی و زیست‌محیطی‌اند. در این پژوهش تلاش شده است تا به جنبه‌ای از قراردادهای بالادستی نفت و گاز پرداخته شود که کمتر مورد توجه جامعهٔ حقوقی بوده است؛ یعنی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی بالادستی. ازآنجا که هر قرارداد خدماتی دارای ترتیبات مالی مستقل است، تلاش داریم تا با استفاده از دو پیش‌نویس قرارداد خدماتی نفتی عراق و ایران، و بهره‌مندی از رویکردی تحلیلی و تطبیقی، در کنار بررسی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی ایران (بیع متقابل)، به مطالعهٔ تطبیقی پرداخته، ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی عراق را نیز بررسی کنیم. از آنجا که کشور ما دارای میدان‌های مشترک با کشور عراق است، توجه به قراردادهایی که برای یک میدان ولی در آن سوی مرزها منعقد می‌شود، می‌تواند فواید فراوانی از منظر حقوق تطبیقی داشته باشد.

واژگان کلیدی
بیع متقابل، ترتیبات مالی، حق‌الزحمه، قرارداد خدماتی توسعه و تولید عراق، هزینه‌های نفتی.

---

۱. نویسندهٔ مسئول، فکس:۰۲۱-۲۲۶۳۴۸۰۵ Email: Mojtaba.asgharian@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

قراردادهای بالادستی خدماتی نفت و گاز جنبه‌های متفاوتی دارند. این جنبه‌ها عبارت‌اند از جنبه‌های حقوقی، قراردادی، مالی، اقتصادی، فنی و زیست‌محیطی. در مجامع حقوقی معمولاً جنبه‌های حقوقی و قراردادی بیشتر مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد و به جنبه‌های دیگر توجه چندانی نمی‌شود. اما امروزه آنچه مورد نیاز صنعت نفت و گاز هر کشوری است، کارشناسان حقوقی‌اند که از حیث علمی بر تمامی جنبه‌های یک قرارداد (از جمله فنی، مالی و اقتصادی) تسلط کامل داشته باشند. این امر نیازمند آن است که نگاه جامعی به جنبه‌های مختلف یک قرارداد داشته باشیم.

به همین دلیل در این پژوهش بر آنیم تا جنبهٔ مالی قراردادهای خدماتی نفت و گاز را بررسی و تحلیل کنیم و با ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی نفتی آشنا شویم؛ موضوعی که حقوق‌دانان کمتر به آن‌ها توجه می‌کنند و در مذاکره دربارهٔ قراردادها موضوعات مالی را تماماً به کارشناسان مالی واگذار می‌کنند. البته بهره‌گیری از تخصص کارشناسان مالی بسیار مفید است، اما شخصی که درنهایت متن قرارداد را تنظیم می‌کند، کارشناس حقوقی است؛ به همین دلیل وی باید نگاه جامعی به جنبه‌های مختلف یک قرارداد داشته باشد تا همهٔ جنبه‌ها هماهنگ با یکدیگر تنظیم شوند و در آینده، به صورت هماهنگ با یکدیگر کار کنند.

قراردادی که در این مقاله موضوع بررسی شده، قرارداد خدماتی است. در حال حاضر، به دلیل محدودیت‌های قانونی، تنها قراردادی که در بخش بالادستی نفت و گاز ایران منعقد شده، قرارداد خدماتی (بیع متقابل) بوده است.[1] در خصوص قراردادهای خدماتی ایران (بیع متقابل) پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته، اما کمتر پژوهشی به ترتیبات مالی این قراردادها پرداخته است. البته اگر بخواهیم تحلیل و نقد سازنده‌ای از هریک از جنبه‌های قراردادهای خدماتی ایران داشته باشیم، ضروری به‌نظر می‌رسد که نگاهی به قراردادهای خدماتی منعقدشده در سایر کشورها نیز داشته باشیم تا ببینیم که رویهٔ صنعت نفت در کشورهای دیگر چگونه است. حقوق تطبیقی در این مسائل اهمیت فراوانی دارد و می‌تواند ما را با نکات مثبت و ارزشمندی در قراردادهای دیگر کشورها

۱. گاهی در فعالیت‌های بالادستی از قراردادهای EPC نیز استفاده شده است؛ مانند قراردادهایی که برای توسعهٔ میدان گازی پارس جنوبی منعقد شده است.

Archive of SID

www.SID.ir

آشنا سازد که از چشم صنعت ما دور مانده است. به همین دلیل پیش از بررسی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی ایران، به بررسی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی کشور همسایه‌مان، عراق، پرداخته‌ایم. در بررسی ترتیبات مالی قرارداد خدماتی عراق، نگاهی ویژه داریم به پیش‌نویس قراردادی که دولت عراق برای توسعه و تولید میدان نفتی بدرا ارائه کرده است. علت انتخاب این پیش‌نویس آن بوده که میدان یادشده جزء میدان‌های مشترک عراق با ایران است. میدان بدرا در عراق با میدان نفتی آذر در ایران مشترک است.

پس از بررسی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی عراق، به بررسی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی ایران می‌پردازیم. در این بررسی نگاهی ویژه داریم به پیش‌نویس قراردادی که از سوی شرکت ملی نفت برای توسعهٔ میدان گازی فرزاد B ارائه شده است. این میدان نیز با کشور عربستان مشترک است.

درنهایت پس از بررسی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی ایران و عراق، با توجهٔ موردی به پیش‌نویس دو قرارداد، به نتیجه‌گیری و تطبیق ترتیبات مالی این دو قرارداد می‌پردازیم.

ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی نفتی عراق

پیش از بررسی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی عراق، ضروری به‌نظر می‌رسد توضیح مختصری در خصوص کلیات قراردادهای خدماتی عراق بیان شود. طرفین این قراردادها معمولاً یک شرکت نفتی دولتی و کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های نفتی بین‌المللی است. البته سهم کنسرسیوم معمولاً ۷۵ درصد است و ۲۵ درصد باقیمانده در اختیار یکی از شرکت‌های دولتی عراق قرار دارد. تأمین سرمایه و منابع مالی مورد نیاز پروژه، همه برعهدهٔ پیمانکار است. در برابر تأمین مالی صورت‌گرفته از سوی پیمانکار، افزون‌بر بازپرداخت هزینه‌ها به آن، مبلغی به‌عنوان حق‌الزحمه به وی پرداخت می‌شود که مبلغی در برابر هر بشکه است. پیمانکار متعهد است که ظرف سه سال از زمان تأیید طرح اولیهٔ توسعه، به «اولین تولید تجاری» دست یابد و ظرف حدود هفت سال از تاریخ مؤثر شدن قرارداد باید به نرخ تولید ثابت برسد که این نرخ تولید ثابت برای هر میدان متفاوت است. اگر تولید واقعی کمتر از نرخ تولید ثابتی که در آغاز درنظر گرفته شده است،

Archive of SID

www.SID.ir

باشد، این امکان وجود دارد که نرخ حق‌الزحمه کاهش یابد. اگر تا پنج سال از شروع قرارداد، هنگام انجام عملیات توسعه و تولید در ناحیهٔ قرارداد، پیمانکار مخازن جدیدی را کشف کند، مکلف است که مخزن جدید را طبق همان قرارداد توسعه دهد؛ البته حق‌الزحمهٔ آن بین طرفین توافق خواهد شد. درنهایت، پس از اینکه دولت هزینه‌ها و حق‌الزحمهٔ پیمانکار را پرداخت کرد، مابقی درآمد متعلق به دولت است. البته دولت درآمدهای دیگری از محل دریافت حق امضا (صد میلیون دلار در قرارداد بدرا) و مالیات (۳۵ درصد) کسب خواهد کرد (منصوریان، ۱۳۹۳، ص۲۸-۲۷).

حال پس از بررسی مختصر کلیات قراردادهای خدماتی عراق، به تشریح ترتیبات مالی این قراردادها می‌پردازیم. در بررسی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی عراق به‌طور ویژه نگاهی داریم به پیش‌نویس قرارداد خدماتی توسعه و تولید میدان نفتی بدرا در عراق (ویرایش ۲۴ دسامبر ۲۰۰۹) (خلیلی، ۱۳۹۱، ص۳۱). در قرارداد خدماتی عراق همهٔ هزینه‌های پروژه برعهدهٔ پیمانکار است (خلیلی، ۱۳۹۱، ص۳۱). در این قراردادها و به‌ویژه پیش‌نویس یادشده، هزینه‌هایی که پیمانکار[1] برای عملیات نفتی موضوع قرارداد انجام می‌دهد به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ هزینه‌های نفتی (Petroleum costs) و هزینه‌های تکمیلی (Supplementary Costs). این دو دسته هزینه‌ها در کنار مبالغی که با عنوان حق‌الزحمه (Remuneration) به پیمانکار پرداخت می‌شود، ستون‌های اصلی ترتیبات مالی قرارداد خدماتی عراق را تشکیل می‌دهند که در این قسمت به تشریح نوع آن‌ها، روش محاسبه و چگونگی بازپرداخت آن‌ها می‌پردازیم.

۱. هزینه‌های نفتی

هزینه‌های نفتی عبارت‌اند از هزینه‌هایی که پیمانکار برای اجرای موضوع قرارداد متحمل شده یا پرداخت‌هایی که پیمانکار برای اجرای عملیات نفتی (به استثنای مالیات بر درآمد شرکت) انجام داده است. این هزینه‌ها قابل بازپرداخت هستند، اما به آن سودی تعلق نمی‌گیرد (DPSC, 2009, art. 1.66).

---

۱. منظور از پیمانکار (Contractor)، شرکت‌های بین‌المللی نفتی (Companies) طرف قرارداد و نیز شریک دولتی (State Partner) آن‌هاست که برای نظارت و انتقال تکنولوژی در کنار شرکت‌های بین‌المللی در پروژه مشارکت دارد.

Archive of SID

www.SID.ir

هزینه‌های نفتی از تاریخ مؤثر شدن قرارداد و برابر مفاد قرارداد و دستورالعمل حسابرسی که به قرارداد ضمیمه می‌شود، به حساب پروژه منظور می‌گردد. اما از زمانی سررسید می‌شوند که صورت‌وضعیت ارائه شده باشد. زمان ارائهٔ اولین صورت‌وضعیت، دورهٔ سه‌ماهه‌ای است که «اولین تولید تجاری» در آن دوره آغاز می‌شود. بازپرداخت هزینه‌ها تا میزان ۵۰ درصد درآمد مفروض (Deemed revenue) قرارداد خواهد بود. به عبارت دیگر، در هر دوره صرفاً تا ۵۰ درصد درآمد مفروض قرارداد به بازپرداخت هزینه‌ها اختصاص خواهد یافت و ۵۰ درصد دیگر به دولت عراق اختصاص دارد. بنابراین ممکن است درآمد مفروض قرارداد در یک دورهٔ سه‌ماهه کمتر از مجموع مبالغ قابل پرداخت به پیمانکار باشد. در این خصوص، درصورتی که هزینه‌های نفتی و حق‌الزحمه هر دو سررسید شده باشند، بازپرداخت هزینه‌های نفتی نسبت به بازپرداخت حق‌الزحمه اولویت دارد و میزانی از هزینه‌های نفتی و حق‌الزحمه که به دلیل پر شدن سقف ۵۰ درصد در یک دورهٔ سه‌ماهه قابل بازپرداخت نباشد، به دوره‌های سه‌ماههٔ بعدی منتقل و پرداخت خواهد شد و این انتقال تا زمانی ادامه خواهد یافت که تمام مبلغ استحقاقی پیمانکار بازپرداخت شود ((DPSC, 2009, art. 19.6 (c)).

این هزینه‌ها در قالب نفت صادراتی (Export oil) در نقطهٔ تحویل به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد؛ مگر اینکه پیمانکار تا اول آوریل هر سال اعلام کند که تمایل دارد بازپرداخت‌های آن سال را به صورت نقد به دلار امریکا دریافت کند. بنابراین پیمانکار اختیار دارد که انتخاب کند بازپرداخت‌ها در قالب نفت باشد یا به صورت پول نقد. اما انتخاب پیمانکار صرفاً برای همان سال تقویمی مؤثر است و برای سال تقویمی بعد پیمانکار باید انتخاب کند که مبالغ استحقاقی خود را در قالب نفت می‌خواهد یا به صورت پول نقد ((DPSC, 2009, art. 19.6 (a)).

پرداخت‌های نقدی ظرف ۶۰ روز از تاریخ ارائهٔ صورت‌وضعیت انجام خواهد شد. برای پرداخت در قالب نفت صادراتی، قیمت نفت صادراتی بر اساس مکانیزم ارزش‌گذاری که در قرارداد پیش‌بینی می‌شود، تعیین خواهد شد و طرفین در خصوص روش بردن نفت (Lifting) از سوی پیمانکار با یکدیگر توافق خواهند کرد (DPSC, 2009, art. 19.6 (a)).

Archive of SID

www.SID.ir

۲. هزینه‌های تکمیلی

هزینه‌های تکمیلی عبارت‌اند از هزینه‌هایی که پیمانکار برای اجرای موضوع قرارداد متحمل می‌شود و در دستهٔ هزینه‌های نفتی قرار نمی‌گیرد (DPSC,2009, art. 1.86). این هزینه‌ها قابل بازپرداخت است و به آن سود تعلق می‌گیرد. هزینه‌های تکمیلی از تاریخ مؤثر شدن قرارداد به حساب پروژه منظور می‌شود ((DPSC,2009, art. 19.7 (a))، اما سررسید و بازپرداخت آن‌ها از دورهٔ سه‌ماهه‌ای که «اولین تولید تجاری» در آن دوره شروع شده، یا دورهٔ سه‌ماهه‌ای که هزینه‌های تکمیلی در آن دوره برای اولین بار صورت‌وضعیت شده‌اند، هرکدام که دیرتر باشد، شروع خواهد شد (DPSC,2009, art. 19.7 (b)).

روش بازپرداخت هزینه‌های تکمیلی نیز مانند نحوهٔ بازپرداخت هزینه‌های نفتی است. این هزینه‌ها در قالب نفت صادراتی در نقطهٔ تحویل به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد؛ مگر اینکه پیمانکار تا اول آوریل هر سال اعلام کند که تمایل دارد بازپرداخت آن سال را به صورت نقد به دلار امریکا دریافت کند. بنابراین، در خصوص هزینه‌های تکمیلی نیز مانند هزینه‌های نفتی، پیمانکار اختیار دارد که انتخاب کند بازپرداخت در قالب نفت باشد یا به صورت پول نقد. اما انتخاب پیمانکار صرفاً برای همان سال تقویمی مؤثر است و برای سال تقویمی بعد پیمانکار باید انتخاب نماید که مبالغ استحقاقی خود را بابت هزینه‌های تکمیلی، در قالب نفت می‌خواهد یا به صورت پول نقد (DPSC,2009, art. 19.7 (c)).

پرداخت‌های نقدی ظرف ۶۰ روز از تاریخ ارائهٔ صورت‌وضعیت انجام خواهد شد. برای پرداخت در قالب نفت صادراتی، قیمت نفت صادراتی بر اساس مکانیزم ارزش‌گذاری که در قرارداد پیش‌بینی می‌شود تعیین خواهد شد و طرفین در خصوص چگونگی بردن نفت از سوی پیمانکار با یکدیگر توافق خواهند کرد ((DPSC,2009, art. 19.7 (c)).

مبالغ باقیمانده از هزینه‌های تکمیلی در هر صورت‌وضعیت، از تاریخی که این هزینه‌ها برای اولین بار صورت‌وضعیت شده‌اند تا زمانی که بازپرداخت شوند، مشمول بهره خواهند شد. نرخ بهره، نرخ لیبور به‌علاوه یک درصد خواهد بود. نرخ سود مبالغ باقیمانده از هزینه‌های تکمیلی در هر صورت‌وضعیت ثابت خواهد بود و بر مبنای نرخ لیبوری که در زمان ارائهٔ اولین صورت‌وضعیت مربوط به آن هزینه‌های تکمیلی وجود داشته است، تعیین خواهد شد ((DPSC,2009, art. 19.7 (d)).

Archive of SID

www.SID.ir

بازپرداخت هزینه‌های تکمیلی در هر دورهٔ سه‌ماهه، تا سقف ۶۰ درصد درآمد مفروض قرارداد، منهای هزینه‌های نفتی و حق‌الزحمهٔ پرداختی خواهد بود ((DPSC,2009, art. 19.7 (f)). به عبارت دیگر، فرمول زیر برای محاسبهٔ مبلغی که باید با عنوان هزینه‌های تکمیلی بازپرداخت شود، استفاده خواهد شد:

[مبلغ قابل بازپرداخت در هر دورهٔ سه‌ماهه= درآمد مفروض×۶۰٪- (هزینه‌های نفتی پرداختی+ حق‌الزحمهٔ پرداختی)]

میزانی از هزینه‌های تکمیلی که به دلیل پر شدن سقف ۶۰ درصد در هر دورهٔ سه‌ماهه قابل بازپرداخت نباشد، به دوره‌های سه‌ماههٔ بعدی منتقل و پرداخت خواهد شد و این انتقال تا زمانی ادامه خواهد یافت که تمام مبلغ استحقاقی پیمانکار بابت هزینه‌های تکمیلی بازپرداخت شود ((DPSC, 2009, art. 19.7 (g)). البته کارفرما (شرکت دولتی نفت شمال عراق) این اختیار را دارد که هر زمانی مناسب می‌داند با اطلاع به پیمانکار درصد درآمد مفروض را افزایش دهد که در این صورت پیمانکار مبلغ بیشتری از هزینه‌های تکمیلی را در هر دورهٔ سه‌ماهه دریافت خواهد کرد ((DPSC,2009, art. 19.7 (h)).

۳. حق‌الزحمه

حق‌الزحمه مبلغی است که پیمانکار در برابر انجام عملیات نفتی موضوع قرارداد، استحقاق دریافت آن را دارد. حق‌الزحمه از تاریخ «اولین تولید تجاری» (First commercial production)[۱] به حساب پروژه منظور می‌شود (DPSC, 2009, art. 19.3).

حق‌الزحمه از زمانی سررسید می‌شود که صورت‌وضعیت ارائه شده باشد. زمان ارائهٔ اولین صورت‌وضعیت، دورهٔ سه‌ماهه‌ای است که «اولین تولید تجاری» در آن دوره آغاز می‌شود. بازپرداخت هزینه‌ها تا میزان ۵۰ درصد درآمد مفروض قرارداد خواهد بود. به عبارت دیگر، در هر دوره صرفاً تا ۵۰ درصد درآمد مفروض قرارداد به بازپرداخت هزینه‌ها اختصاص خواهد یافت و ۵۰ درصد دیگر به دولت عراق اختصاص دارد. بنابراین

۱. در قرارداد خدماتی عراق، «اولین تولید تجاری» به معنای زمانی است که در یک دورهٔ ۹۰ روزه، متوسط تولید از میدان، حداقل پانزده هزار بشکه در روز باشد.

Archive of SID

www.SID.ir

ممکن است درآمد مفروض قرارداد در یک دورهٔ سه‌ماهه کمتر از مجموع مبالغ قابل پرداخت به پیمانکار باشد. در این خصوص، درصورتی که هزینه‌های نفتی و حق‌الزحمه هر دو سررسید شده باشند، بازپرداخت هزینه‌های نفتی نسبت به بازپرداخت حق‌الزحمه اولویت دارند ((DPSC, 2009, art. 19.6 (c)) و میزانی از هزینه‌های نفتی و حق‌الزحمه که به دلیل پر شدن سقف ۵۰ درصد در یک دورهٔ سه‌ماهه قابل بازپرداخت نباشد، به دوره‌های سه‌ماههٔ بعدی منتقل و پرداخت خواهد شد و این انتقال تا زمانی ادامه خواهد داشت که تمام مبلغ استحقاقی پیمانکار بازپرداخت شود (DPSC, 2009, art. 19.6 (d)).

نحوهٔ پرداخت حق‌الزحمه نیز همانند روش بازپرداخت هزینه‌های نفتی و هزینه‌های تکمیلی است که در بند ۱.۲. ذکر شد و از تکرار آن خودداری می‌شود (DPSC, 2009, art. 19.6 (a)).

همچنین مانند بازپرداخت هزینه‌های نفتی و هزینه‌های تکمیلی، پرداخت حق‌الزحمه به صورت نقدی ظرف ۶۰ روز از تاریخ ارائهٔ صورت‌وضعیت خواهد بود. برای پرداخت در قالب نفت صادراتی، قیمت نفت صادراتی بر اساس مکانیزم ارزش‌گذاری که در قرارداد پیش‌بینی می‌شود، تعیین خواهد شد و طرفین در خصوص روش بردن نفت از سوی پیمانکار با یکدیگر توافق خواهند کرد ((DPSC, 2009, art. 19.6 (a)).

۳. ۱. محاسبهٔ حق‌الزحمه

مبنای محاسبهٔ حق‌الزحمه تولید خالص از میدان و تولید خالص از تأسیسات فرآورش گاز (در صورت تولید گاز)[1] خواهد بود ((DPSC, 2009, art. 19.3 (a)). درواقع این تولیدات با استفاده از آر فاکتور به مبلغی منتهی می‌شود (طبق جدول زیر) که پیمانکار باید در برابر هر بشکه دریافت کند؛ یعنی نشان می‌دهد حق‌الزحمهٔ پیمانکار چند دلار در برابر هر بشکه خواهد بود، به همین دلیل سیستم مالی قرارداد خدماتی عراق به سیستم «مبلغ در برابر هر بشکه» (Fee per barrel) معروف شده است.

مبلغ حق‌الزحمه برای کلیهٔ دوره‌های سه‌ماهه در طی یک سال تقویمی بر مبنای آر فاکتور و در پایان آن سال تقویمی محاسبه می‌شود ((DPSC, 2009, art. 19.3 (b)).

۱. در پیش‌نویس قرارداد بدرا، ساخت و بهره‌برداری از تأسیسات فرآورش گاز نیز در شرح کار پیمانکار قرار دارد.

Archive of SID

www.SID.ir

اینکه آر فاکتور چیست و چگونه محاسبه می‌گردد، در بند بعدی شرح داده خواهد شد. اما در اینجا شایان توضیح است که میزان حق‌الزحمه با میزان آر فاکتور رابطهٔ معکوس دارد و هرچه میزان آر فاکتور پایین‌تر باشد، مبلغ حق‌الزحمه افزایش خواهد یافت. برای توضیح بیشتر جدولی ارائه می‌شود که برگرفته از بند ۳ مادهٔ ۱۹ پیش‌نویس قرارداد بدرا است و نشان می‌دهد در قرارداد خدماتی عراق، مبلغ حق‌الزحمه چه نسبتی با آر فاکتور دارد.

آر فاکتور	حق‌الزحمه برای تولید خالص و محصولات تولیدی از تأسیسات فرآورش گاز (دلار در برابر هر بشکه یا معادل آن)
۲ و بالاتر	۱.۱۰
کمتر از ۲ تا ۱.۵	۲.۲۰
کمتر از ۱.۵ تا ۱.۲۵	۳.۳۰
کمتر از ۱.۲۵ تا ۱	۴.۴۰
کمتر از ۱	۵.۵۰

۳. ۲. تعدیل حق‌الزحمه

در طول «دورهٔ تولید ثابت» (Plateau production period) حق‌الزحمه‌ای که باید در خصوص تولید خالص پرداخت شود، با ضرب کردن آن در ضریب عملکرد (Performance factor)، تعدیل (افزایش یا کاهش) می‌یابد. البته گفتنی است که اگر یکی از حالت‌های زیر رخ دهد، حق‌الزحمه دستخوش تغییر نمی‌شود و تعدیل نمی‌یابد:

الف) اگر به شکلی که در قرارداد بیان می‌شود، دولت موجب کاهش تولید گردد؛

ب) درصورتی که به دلیل قصور انتقال‌دهنده در دریافت نفت در نقطهٔ انتقال (و بدون هرگونه تقصیری از سوی پیمانکار)، تولید عادی کاهش یابد یا معلق شود (DPSC, 2009, art. 19.5).

۳. ۳. آر فاکتور

آر فاکتوری (R factor) که پیمانکار در پایان هر سال تقویمی به‌دست می‌آورد، بر اساس فرمولی محاسبه می‌شود. این فرمول عبارت است از: جمع ارزش دریافتی‌های نقدی از تاریخ مؤثر شدن قرارداد تا پایان آن سال تقویمی تقسیم بر جمع هزینه‌های انجام‌شده در همان دوره (DPSC, 2009, art. 19.4).

Archive of SID

www.SID.ir

[آر فاکتور= جمع ارزش دریافتی‌های نقدی÷ جمع هزینه‌های انجام‌شده]

در فرمول پیش‌گفته، جمع ارزش دریافتی‌های نقدی عبارت‌اند از: هزینه‌های نفتی و حق‌الزحمه پرداختی به پیمانکار، و هرگونه درآمد اتفاقی (Incidental income) پیمانکار (که جزئیات آن در دستورالعمل حسابرسی مشخص می‌شود) که ناشی از عملیات نفتی است (DPSC, 2009, art. 19.4 (a)(i)(ii)).

به همین ترتیب، جمع هزینه‌های انجام‌شده نیز عبارت است از: هزینه‌های نفتی، حق امضا (Signature bonus)،[1] و هزینه‌های مربوط به آموزش و انتقال تکنولوژی (DPSC, 2009, art. 19.4 (b)(i)(ii)(iii))[2]. البته در قرارداد خدماتی عراق تصریح می‌شود که حق امضا و هزینه‌های مربوط به آموزش و انتقال تکنولوژی صرفاً به‌منظور محاسبهٔ آر فاکتور در این فرمول گنجانده شده است و این به آن معنا نیست که حق امضا و هزینه‌های مربوط به آموزش و انتقال تکنولوژی جزء هزینه‌های نفتی هستند و وقتی که این دو مورد جزء هزینه‌های نفتی نباشند، طبیعتاً قابل بازپرداخت نیستند (DPSC, 2009, art. 19.4). نکتهٔ دیگری که در خصوص آر فاکتور باید گفته شود، آن است که بر اساس فرمول پیش‌گفته، هرچه پیمانکار بیشتر هزینه کند (یا هزینه‌های بیشتری نشان دهد)، مخرج کسر بزرگ‌تر خواهد شد و درنتیجه آر فاکتور کوچک‌تر می‌شود. و هراندازه آر فاکتور کمتر باشد، حق‌الزحمه‌ای که به پیمانکار تعلق می‌گیرد، افزایش خواهد یافت (برابر جدول بالا) (منصوریان، ۱۳۹۳، ص۳۰).

برای تبیین بیشتر موضوع، باید گفت که حق‌الزحمه‌ای که پیمانکار در برابر هر بشکهٔ نفت دریافت می‌کند، بستگی به این دارد که میزان آر فاکتور چند است و میزان آر فاکتور نیز با تقسیم دریافتی‌های نقدی پیمانکار بر هزینه‌های انجام‌شده از سوی وی محاسبه می‌شود.

در پایان این قسمت یادآوری چند نکته لازم است: نخست آنکه براساس قراردادهای

---

۱. ۳۰ روز پس از تاریخ مؤثر شدن قرارداد، شرکت‌های پیمانکار مبلغی را به‌منزلهٔ حق امضا (یا پاداش امضا) به حساب شرکت دولتی نفت شمال عراق واریز خواهند کرد.

۲. گفتنی است که در قراردادهای خدماتی عراق، پیمانکار ملزم است که سالانه پنج میلیون دلار به موضوع آموزش و انتقال تکنولوژی اختصاص دهد. این هزینه با عنوان هزینه‌های نفتی قابل بازپرداخت نیست.

Archive of SID

www.SID.ir

خدماتی عراق، هزینه‌های نفتی، هزینه‌های تکمیلی و حق‌الزحمه، پوشش‌دهندهٔ کلیهٔ هزینه‌ها، مخارج، مسئولیت‌ها و حق‌الزحمهٔ پیمانکار می‌باشند و به‌منظور انجام تعهدات موضوع قرارداد، کارفرما (شرکت دولتی نفت شمال عراق) مبلغ دیگری را به پیمانکار پرداخت نخواهد کرد ((DPSC, 2009, art. 19.6 (b).

دوم آنکه درصورتی که با انقضای مدت قرارداد یا در صورت خاتمهٔ قرارداد، مبالغ سررسید شده و معوقه‌ای از هزینه‌های نفتی، هزینه‌های تکمیلی و حق‌الزحمه وجود داشته باشد، ظرف ۳۰ روز حساب تسویه خواهد شد یا اینکه طرفین به‌گونهٔ دیگری توافق خواهند کرد (DPSC, 2009, art. 19.8).

سوم آنکه، طرف عراقی حاضر در کنسرسیوم هیچ هزینه‌ای را در راستای توسعه و تولید از میدان پرداخت نخواهد کرد، اما از سود حاصل از میدان ۲۵ درصد سهم می‌برد و سهم پیمانکار ۷۵ درصد باقیمانده خواهد بود (خلیلی، ۱۳۹۱، ص۳۱).

چهارم آنکه، همهٔ درآمدهای (ازجمله حق‌الزحمه) هریک از شرکت‌های حاضر در کنسرسیوم، مشمول پرداخت ۳۵ درصد مالیات می‌باشند (DPSC, 2009, art. 23.2). البته اگر مالیات‌های پرداختی به دولت عراق از ۳۵ درصد تجاوز کند، کارفرما (شرکت دولتی نفت شمال عراق) مابه‌التفاوت مالیات مربوطه را به شرکت یادشده بازپرداخت خواهد کرد (DPSC, 2009, art. 23.3).

پنجم آنکه، تمام هزینه‌های پروژه برعهدهٔ پیمانکار خواهد بود و بازپرداخت‌ها صرفاً از محل تولیدات میدان صورت خواهد گرفت؛ به این صورت که در برابر هر بشکهٔ نفت تولیدی درصدی به پیمانکار تعلق می‌گیرد (منصوریان، ۱۳۹۳، ص۳۱).

ترتیبات مالی قرارداد خدماتی نفتی ایران

قراردادهای خدماتی در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران (بیع متقابل) یا صرفاً برای توسعه و یا برای اکتشاف و توسعه به‌طور هم‌زمان منعقد شده‌اند. اما ازآنجا که در زمان انعقاد قرارداد و پیش از مرحلهٔ اکتشاف، شرح کار توسعه به‌اندازهٔ کافی مشخص نیست، قراردادهای هم‌زمان اکتشاف و توسعه نتوانسته‌اند موفقیت چندانی را کسب کنند و به همین دلیل بیشتر قراردادهای منعقدشده، قراردادهای توسعه‌اند. ما نیز در اینجا برای بررسی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی ایران، قراردادهای توسعه را مد نظر داشته‌ایم و به‌ویژه از پیش‌نویس سال

Archive of SID

www.SID.ir

۲۰۱۱م قرارداد خدماتی میدان گازی فرزاد B که یک میدان مشترک با دولت عربستان است، بهره برده‌ایم[۱].

در ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی ایران، هزینه‌های نفتی به‌همراه حق‌الزحمه ستون‌های اصلی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی ایران را تشکیل می‌دهند که در این قسمت به تشریح نوع آن‌ها، روش محاسبه و چگونگی بازپرداخت یا پرداخت آن‌ها (بسته به مورد) می‌پردازیم.

۱. هزینه‌های نفتی

در قراردادهای خدماتی ایران (بیع متقابل)، هزینه‌های نفتی (Petroleum costs) به چهار دسته تقسیم می‌شوند: هزینه‌های سرمایه‌ای، هزینه‌های غیرسرمایه‌ای، هزینه‌های بهره‌برداری، و هزینه‌های بانکی (کاظمی، ۱۳۹۳، ص۲۰۳).

۱. ۱. هزینه‌های سرمایه‌ای

هزینه‌های سرمایه‌ای (Capital costs/Opex) عبارت‌اند از هزینه‌های اکتشاف و هر هزینهٔ دیگری (ازجمله هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های مدیریت پروژه) که از تاریخ مؤثرشدن قرارداد تا زمان خاتمهٔ مرحلهٔ توسعه از سوی پیمانکار انجام شده، مستقیماً و لزوماً به انجام عملیات توسعه مربوط هستند و شرح آن‌ها در دستورالعمل حسابرسی و آیین تعیین سقف هزینه‌های سرمایه‌ای (Ceiling capital costs determination procedure) در قرارداد آورده می‌شود (شیروی، ۱۳۹۳، ص۴۳۵)[۲]. هزینه‌های سرمایه‌ای مشمول گروه‌های هزینه‌های غیرسرمایه‌ای، بهره‌برداری، پشتیبانی و کمک‌های فنی و

---

۱. در تنظیم مطالب مربوط به ترتیبات مالی قراردادهای ایران، بیشترین استفاده را از پیش‌نویس ۲۰۱۱م قرارداد خدماتی میدان گازی فرزاد B برده‌ایم، اما به دلیل رعایت اصل محرمانگی قراردادها در صنعت نفت، از ارجاعات موردی به مواد پیش‌نویس این قرارداد خودداری شده است.

۲. از سال ۱۳۸۶ش طبق مصوبهٔ هیئت مدیرهٔ شرکت ملی نفت ایران با عنوان «چارچوب کلی قراردادهای بیع متقابل»، به‌جای اینکه سقف هزینه‌های سرمایه‌ای در زمان انعقاد قرارداد تعیین شود، تعیین آن به زمانی موکول می‌شود که مناقصه‌های مربوط به قراردادهای فرعی برگزار شده باشد. به این ترتیب، طرفین در زمان انعقاد قرارداد سقف هزینه‌های سرمایه‌ای را تعیین نمی‌کنند بلکه آیین یا روشی را برای تعیین سقف در قرارداد توافق می‌کنند.

Archive of SID

www.SID.ir

هزینه‌های بانکی نمی‌شوند. به عبارت دیگر، هزینه‌های سرمایه‌ای نباید تحت عناوین هزینه‌های دیگر قابل شناسایی باشد. برای مثال، اگر تردید وجود داشته باشد که هزینه‌ای جزء هزینه‌های سرمایه‌ای است یا غیرسرمایه‌ای، هزینهٔ یادشده در ستون هزینه‌های غیرسرمایه‌ای جای داده خواهد شد.[۱] هزینه‌های سرمایه‌ای قابل بازپرداخت هستند، اما این هزینه‌ها در قرارداد سقف دارند. سازوکار آن به این شکل است که هزینه‌ها باید حسابرسی شود و در صورت تأیید قابل بازپرداخت است. اگر هزینه‌های سرمایه‌ای انجام‌شده از سوی پیمانکار کمتر از سقف مقرر باشد، مبلغ کمتر به پیمانکار پرداخت می‌شود. اما چنانچه هزینه‌های سرمایه‌ای انجام‌شده از سوی پیمانکار بیشتر از سقف مقرر در قرارداد باشد، صرفاً هزینه‌های سرمایه‌ای تا سقف مقرر در قرارداد بازپرداخت می‌شود و مبلغ مازاد بر سقف، به پیمانکار بازپرداخت نخواهد شد.[۲]

۱. ۲. هزینه‌های غیرسرمایه‌ای

هزینه‌های غیرسرمایه‌ای (Non-capital costs/Non-capex) عبارت‌اند از کلیهٔ هزینه‌هایی که برابر قرارداد، به‌طور غیرمستقیم اما لزوماً مربوط به انجام عملیات توسعه بوده، محدود به «هزینه‌های دولتی ایران» (Iranian charges)[۳] و دیگر هزینه‌هایی که در قرارداد با عنوان هزینه‌های غیرسرمایه‌ای مشخص شده، می‌باشند. این هزینه‌ها مستقل از هزینه‌های سرمایه‌ای، بهره‌برداری، پشتیبانی و کمک‌های فنی و هزینه‌های بانکی هستند. هزینه‌های غیرسرمایه‌ای با عنوان مالیات‌ها، عوارض و دیگر حقوق دولتی به دولت پرداخت می‌شوند و تعیین آن در قرارداد مقدور نیست. این هزینه‌ها معمولاً بالغ بر ۱۰ تا ۱۵ درصد هزینه‌های سرمایه‌ای هستند. مصادیق هزینه‌های غیرسرمایه‌ای

---

۱. هزینه‌های سرمایه ای خود به دو قسمت هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های مدیریت پروژه تقسیم می‌شود.

۲. مشکلی که در قراردادهای اولیه بروز می‌کرد این بود که تعیین دقیق سقف قرارداد در زمان انعقاد قرارداد مشکل‌ساز بود؛ به همین دلیل از سال ۱۳۸۶ش، تعیین سقف هزینه‌های سرمایه‌ای به پس از انجام مطالعات فید (FEED) و برگزاری مناقصه‌های قراردادهای فرعی موکول شد.

۳. این هزینه‌ها عبارت‌اند از مالیات‌ها، هزینه‌های تأمین اجتماعی، عوارض گمرکی و هرگونه هزینهٔ دیگری که از سوی مراجع دولتی ایران در راستای عملیات توسعه بر پیمانکار تحمیل می‌شود. البته هزینهٔ بیمهٔ پروژه مشمول آن نیست.

Archive of SID

www.SID.ir

عبارت‌اند از مالیات، عوارض گمرکی، عوارض شهرداری، بیمهٔ تأمین اجتماعی و مالیات بر درآمد پیمانکار.

هزینه‌های غیرسرمایه‌ای برخلاف هزینه‌های سرمایه‌ای، بدون سقف بوده، کل آن به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد.

۱. ۳. هزینه‌های بهره‌برداری

هزینه‌های بهره‌برداری (Operating costs/Opex) عبارت‌اند از کلیهٔ هزینه‌ها و مخارجی که مستقیماً، لزوماً و انحصاراً در خصوص انجام عملیات بهره‌برداری یا تأمین قطعات یدکی، از تاریخ تولید نهایی تا زمان تحویل پروژه به کارفرما، از سوی پیمانکار صورت گرفته است (کاظمی، ۱۳۹۳، ص۲۰۴). درست است که در قراردادهای بیع متقابل مرحلهٔ بهره‌برداری و تولید برعهدهٔ پیمانکار خصوصی (چه داخلی و چه خارجی) نمی‌تواند باشد، اما در برخی مواقع ممکن است پیمانکار هنگام عملیات توسعه، ملزم به تولید زودهنگام (Early production) از بعضی چاه‌ها باشد، یا اینکه ممکن است پروژه به مرحلهٔ تولید نهایی رسیده باشد، اما هنوز تحویل کارفرما نشده باشد که در این صورت نیز پیمانکار ملزم است عملیات بهره‌برداری را همچنان ادامه دهد. در چنین شرایطی، هزینه‌هایی که پیمانکار متحمل می‌شود، با عنوان هزینه‌های بهره‌برداری به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد. هزینه‌های بهره‌برداری بدون سقف و قابل بازپرداخت است. انجام هزینه‌های بهره‌برداری باید با تأیید طرف ایرانی قرارداد، یعنی شرکت ملی نفت ایران، باشد.[۱]

۱. ۴. هزینه‌های بانکی

هزینه‌های بانکی (Bank charges) شامل کلیهٔ هزینه‌های مربوط به تأمین منابع مالی و بهرهٔ پول می‌شود.

---

۱. در برخی قراردادها نیز ممکن است پیمانکار پس از تحویل پروژه، کمک‌های فنی به کارفرما ارائه دهد. این هزینه‌ها نیز ممکن است با عنوان هزینه‌های بهره‌برداری یا با نام مستقلی همچون «هزینه‌های پشتیبانی و کمک‌های فنی» قابل بازپرداخت باشد. اگر عنوان مستقلی همچون هزینه‌های پشتیبانی و کمک‌های فنی تعریف شده باشد، مربوط به هزینه‌هایی خواهد بود که پس از تحویل پروژه به کارفرما، از سوی پیمانکار صورت می‌گیرد.

Archive of SID

www.SID.ir

همهٔ هزینه‌های سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای از اولین روز ماه پس از انجام هزینه تا زمانی که بازپرداخت شود، مشمول نرخ بهره خواهد بود. نرخ بهره بر اساس نرخ لیبور به‌علاوه درصدی معین توافق می‌شود. این درصد در بعضی قراردادها ۰/۷۵ درصد بوده است (کاظمی، ۱۳۹۳، ۲۰۴). هزینه‌های عملیاتی اگر در دورهٔ سه‌ماهه پس از انجام هزینهٔ بازپرداخت شود، مشمول بهره نمی‌گردد. اما در صورت تأخیر در پرداخت، هزینه‌های عملیاتی معوقه نیز مشمول بهره می‌شود.

۲. حق‌الزحمه

افزون‌بر هزینه‌های نفتی، پیمانکار در برابر انجام عملیات نفتی سزاوار حق‌الزحمه است. به عبارت دیگر، در برابر سرمایه‌گذاری پیمانکار و ریسک‌پذیری وی، مبلغ ثابتی در قرارداد به عنوان پاداش برای پیمانکار درنظر گرفته می‌شود که به آن حق‌الزحمه اطلاق می‌شود. حق‌الزحمه زمانی به پیمانکار تعلق می‌گیرد که به اهداف تولید (آن‌گونه که در طرح جامع توسعه تعریف شده است) برسد (ابراهیمی و شیروی، ۱۳۸۸، ص۲۵۲). توضیحات مربوط به سازوکار پرداخت حق‌الزحمه در بند ۴.۳ آمده است.

۳. بازپرداخت هزینه‌های نفتی

هزینه‌های نفتی از قبیل هزینه‌های سرمایه‌ای، غیرسرمایه‌ای، بهره‌برداری، پشتیبانی و کمک‌های فنی (در صورت وجود)، اگر طبق دستورالعمل حسابرسی که به قرارداد پیوست می‌شود، به حساب پروژه منظور و تأیید شده باشد، به‌همراه هزینه‌های بانکی آن‌ها در برابر تأمین مالی عملیات نفتی موضوع قرارداد، به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد. این هزینه‌ها از اولین روز ماه پس از انجام هزینه، محاسبه و به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد. این بازپرداخت تا زمانی ادامه خواهد داشت که همهٔ مبلغ استحقاقی پیمانکار بازپرداخت شود.

هزینه‌های سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای که پیمانکار برای عملیات توسعه تا زمان تحویل پروژه متحمل شده و طبق دستورالعمل حسابرسی در حساب پروژه منظور شده باشد، به‌همراه هزینه‌های بانکی آن، به صورت اقساط برابر ماهانه و در طول دوره بازپرداخت (Cost recovery period)، یعنی دورهٔ اول استهلاک (First

Archive of SID

www.SID.ir

amortization period) که از تاریخ تحویل پروژه آغاز می‌شود، بازپرداخت خواهد شد.

هزینه‌های سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای که پیمانکار تا قبل از تکمیل عملیات توسعه متحمل شده، اما پس از تحویل پروژه و تا قبل از مدت معینی (که به ماه مشخص می‌شود) پرداخت کرده است، به‌همراه هزینه‌های بانکی آن، به صورت اقساط برابر ماهانه و در طی مدت باقیمانده از دورهٔ اول استهلاک، و از اولین روز ماه پس از انجام هزینه، بازپرداخت خواهد شد.

هزینه‌های دولتی ایران که پس از عملیات توسعه و تا مدت معینی از تاریخ تحویل پروژه بر پیمانکار تحمیل و از سوی وی پرداخت شده باشد، در صورت ارائهٔ اسناد مثبته، به صورت اقساط برابر ماهانه و در طی مدت باقیمانده از دورهٔ اول استهلاک، و از اولین روز ماه پس از انجام هزینه، بازپرداخت خواهد شد. هزینه‌هایی که پیمانکار به‌عنوان مالیات بر درآمد شرکت‌ها پرداخت می‌کند نیز در صورت ارائهٔ اسناد مثبته (مفاصا حساب)، بازپرداخت خواهد شد.

هزینه‌های بهره‌برداری و تأمین قطعات یدکی که از تاریخ تولید اولیه تا زمان تحویل پروژه از سوی پیمانکار انجام می‌شود، با ارائهٔ صورت‌وضعیت‌های ماهانه به پیمانکار پرداخت خواهد شد.

هزینه‌های پشتیبانی و کمک‌های فنی که پس از تاریخ تحویل پروژه به کارفرما انجام می‌گیرد، با ارائهٔ صورت‌وضعیت ماهانه به پیمانکار پرداخت می‌شود.

پرداخت هزینه‌های بهره‌برداری، پشتیبانی و کمک‌های فنی و هزینه‌های مربوط به مالیات به صورت جاری (on current basis) است و نسبت به پرداخت هزینه‌ها دیگر (یعنی هزینه‌های سرمایه‌ای، غیرسرمایه‌ای و بانکی و نیز حق‌الزحمه) که به حساب پروژه (on account basis) گذاشته می‌شود، اولویت خواهد داشت.

۴. بازپرداخت حق‌الزحمه

حق‌الزحمه بر اساس نرخ بازگشت سرمایه (Rate of Return/ROR) مقرر در قرارداد محاسبه می‌شود. نرخ بازگشت سرمایهٔ مقرر در قرارداد، به صورت درصدی از سقف هزینه‌های سرمایه‌ای تعیین می‌شود. ممکن است برای اضافه‌کاری‌ها، درصد متفاوتی درنظر گرفته شود. البته گفتنی است که نرخ بازگشت سرمایهٔ قرارداد دارای سقف

Archive of SID

www.SID.ir

می‌باشد (Ceiling contractual rate of return/CROR) و اگر هزینه‌های واقعی پیمانکار از هزینه‌های پیش‌بینی‌شده بیشتر شود و نرخ بازگشت سرمایهٔ پیمانکار از سقف مربوط تجاوز کند، کارفرما و پیمانکار با توافق یکدیگر به‌نحوی نرخ بازگشت سرمایه را کاهش خواهند داد که از سقف مربوطه تجاوز نکند.

حق‌الزحمه از تاریخ تحویل پروژه (عملیات توسعه) و از اولین روز ماه پس از تحویل پروژه، به صورت اقساط ماهانه و تا پایان «دورهٔ اول استهلاک» بازپرداخت خواهد شد. درصورتی که کمیتهٔ مدیریت مشترک و شرکت ملی نفت ایران به این نتیجه برسند که انجام یک سری کارهای اضافی ضرورت دارد و این کارها به افزایش سقف هزینه‌های سرمایه‌ای منجر می‌شود، حق‌الزحمهٔ پیمانکار نیز در پی آن، اصلاح و تعدیل می‌شود. در صورت کاهش کار نیز به همین ترتیب، حق‌الزحمهٔ پیمانکار تعدیل می‌یابد. درصورتی که به تشخیص کمیتهٔ مدیریت مشترک و تأیید شرکت ملی نفت ایران، شرح کار تغییر یابد، صرفاً هزینه‌های سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای اصلاح می‌شوند و حق‌الزحمه هیچ تغییری نمی‌کند.

چنانچه به دلایل منتسب به کارفرما، هریک از اقساط حق‌الزحمه در دورهٔ سه‌ماهه مربوطه به‌طور کامل پرداخت نشود، مبالغ باقیمانده در دوره‌های سه‌ماههٔ بعدی پرداخت خواهد شد.

اگر هزینه‌های نفتی و حق‌الزحمه تا پایان «دورهٔ استهلاک اول» به دلایلی که منتسب به پیمانکار نیست (قصور پیمانکار نباشد، یا اینکه اهداف عملیات توسعه محقق شده باشد)، بازپرداخت نشده باشد، مبالغ باقیمانده در طول مدت باقیمانده از قرارداد پرداخت خواهد شد. اگر مدت زمان باقیمانده برای بازپرداخت کافی نباشد، مدت قرارداد با توافق طرفین به‌اندازهٔ لازم تمدید خواهد شد.

همچنین شایان ذکر است که هرگونه پرداختی به پیمانکار در طول دورهٔ استهلاک اول، منوط به تحقق تولید نهایی و اهداف مربوط به عملیات توسعه می‌باشد؛ به‌نحوی که در طرح جامع توسعه و قرارداد آمده است.

برای بازپرداخت هزینه‌ها و پرداخت حق‌الزحمه، دوره‌های معینی (Cost recovery period) در قرارداد پیش‌بینی می‌شود؛ یعنی دورهٔ بازپرداخت هزینه‌ها و دورهٔ پرداخت حق‌الزحمه به صورت مستقل و برای ماه‌های معینی در قرارداد قید خواهد شد. به این منظور، کل هزینه‌ها بر تعداد ماه‌های مربوطه تقسیم شده، سقف هزینه‌هایی که باید در

Archive of SID

www.SID.ir

هر ماه بازپرداخت گردد، به دلار تعیین می‌شود. همچنین، همهٔ حق‌الزحمه بر تعداد ماه‌های مربوطه تقسیم شده، سقف حق‌الزحمه‌ای که باید در هر ماه پرداخت گردد، به دلار تعیین می‌شود. بنابراین، مشخص است که در هر ماه چه میزانی از هزینه‌ها بازپرداخت و چه میزانی از حق‌الزحمه پرداخت خواهد شد. البته در قراردادهای خدماتی ایران، پرداخت‌ها به صورت هر سه ماه یک‌بار است و معمولاً ۶۰ درصد تولیدات میدان برای بازپرداخت هزینه‌ها و پرداخت حق‌الزحمه اختصاص داده خواهد شد. اگر مبلغی که پیمانکار باید دریافت دارد بیش از ۶۰ درصد باشد، مبالغ باقیمانده در دوره‌های سه‌ماههٔ بعدی پرداخت خواهد شد و درصورتی که ۶۰ درصد کفایت نکند، اولویت به‌ترتیب با بازپرداخت هزینه‌های بهره‌برداری، بازپرداخت دیگر هزینه‌ها و سپس پرداخت حق‌الزحمه می‌باشد. کارفرما اختیار دارد که برای بازپرداخت هزینه‌ها و پرداخت حق‌الزحمه، پول نقد به پیمانکار بپردازد یا اینکه درصد متناسبی از نفت تولیدی از میدان را به پیمانکار بفروشد. برای اجرای روش دوم، یک قرارداد فروش نفت خام به قرارداد خدماتی ضمیمه می‌شود و درصورتی که کارفرما تصمیم داشته باشد هزینه‌ها را از طریق فروش نفت خام به پیمانکار جبران کند، شرایط فروش، برابر شرایط مندرج در قرارداد، فروش نفت خام پیوست‌شده به قرارداد است (کاظمی، ۱۳۹۳، ص۲۰۴).

نتیجه

در این نوع قراردادهای خدماتی عراق، عملیات توسعه و تولید از میدان به صورت هم‌زمان به پیمانکار واگذار می‌گردد. این سبب می‌شود که پیمانکار در منافع حاصل از میدان به صورت بلندمدت درگیر شده، افزون‌براین، در صورت کاهش تولید نیز پاسخگو باشد؛ لذا تلاش می‌کند تولید صیانتی را تا اندازهٔ ممکن رعایت کند.

هزینه‌های قرارداد عراق دو دسته‌اند: هزینه‌های نفتی و هزینه‌های تکمیلی؛ درحالی که هزینه‌های مندرج در قراردادهای خدماتی ایران چهار دسته‌اند: هزینه‌های سرمایه‌ای، غیرسرمایه‌ای، عملیاتی، و هزینه‌های بانکی. همان‌طور که شرح آن رفت، در قراردادهای خدماتی عراق هزینه‌های بانکی و کارمزد بانکی وجود ندارد و این می‌تواند امتیازی نسبت به قراردادهای خدماتی ایران باشد.

در قراردادهای خدماتی عراق به هزینه‌های نفتی و حق‌الزحمه بهره تعلق نمی‌گیرد. به هزینه‌های تکمیلی نیز فقط در صورت دیرکرد بهره تعلق می‌گیرد. نرخ بهره برای این

Archive of SID

www.SID.ir

مورد نرخ لیبور به‌علاوه یک درصد است، اما در قراردادهای خدماتی ایران، به تمام هزینه‌های سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای و بهره‌برداری بهره تعلق می‌گیرد. نرخ بهره در قراردادهای ایران، نرخ لیبور به‌علاوه هفتادوپنج صدم درصد است.

در قراردادهای خدماتی عراق، بازپرداخت هزینه‌های نفتی و پرداخت حق‌الزحمه تا ۵۰ درصد درآمد مفروض و بازپرداخت هزینه‌های تکمیلی تا ۶۰ درصد درآمد مفروض قرارداد است. در قراردادهای خدماتی ایران، بازپرداخت هزینه‌ها و پرداخت حق‌الزحمه معمولاً تا میزان ۶۰ درصد (بین ۵۰ تا ۷۰ درصد) تولید واقعی از میدان است. بدیهی است درصد تعیین‌شده در قرارداد نفتی یک کشور نمی‌تواند ملاک عمل در قراردادهای کشور دیگری باشد، بلکه این درصد به صورت موردی با توجه به ویژگی‌های هر پروژه و میزان ریسک و سرمایه‌گذاری لازم تعیین می‌شود.

دولت عراق یک شرکت عراقی را به‌عنوان شریک دولتی به پیمانکاران خارجی ضمیمه می‌کند. این شریک دولتی هیچ هزینه‌ای را در کنسرسیوم پرداخت نمی‌کند، اما از سود پروژه ۲۵ درصد سهم می‌برد. حضور شریک دولتی در میان پیمانکاران خارجی می‌تواند از حیث نظارت و کنترل بیشتر کارفرما مؤثر باشد. افزون‌براین، دخیل بودن یک شرکت دولتی در فرایند پروژه، می‌تواند به انتقال تکنولوژی و انتقال دانش مدیریت پروژه به شرکت‌های بومی کمک فراوانی کند.

در قراردادهای خدماتی عراق، پیمانکار مکلف به پرداخت مالیات است. البته برای پرداخت مالیات سقف مقرر در قانون پیش‌بینی شده است و درصورتی که مبالغ پرداختی پیمانکار به دولت عراق بابت مالیات از سقف ۳۵ درصد تجاوز کند، کارفرمای عراقی مابه‌التفاوت مبلغ پرداختی بیش از ۳۵ درصد را به پیمانکار پرداخت خواهد کرد. اما در قراردادهای خدماتی ایران، تمام هزینه‌هایی که پیمانکار بابت هرگونه مالیات به مراجع دولتی ایران پرداخت می‌کند، با عنوان هزینه‌های غیرسرمایه‌ای به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد.

در قرارداد خدماتی عراق، کل درآمد پیمانکار در برابر هر بشکه تعیین می‌شود. بنابراین هرچه تولید از میدان بیشتر باشد، پیمانکار نیز از نفع آن بهره‌مند می‌شود و در برابر هر بشکه تولید بیشتر، درصد بیشتری را دریافت می‌کند. اما در قراردادهای خدماتی ایران، درصدی از تولید برای بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌ای و پرداخت حق‌الزحمه به پیمانکار تعلق می‌گیرد که دارای سقف است؛ یعنی مبالغ استحقاقی

Archive of SID

www.SID.ir

پیمانکار در قراردادهای خدماتی ایران نمی‌تواند از سقف معینی بالاتر رود و در صورت افزایش تولید یا افزایش قیمت نفت، هیچ سهمی به پیمانکار تعلق نمی‌گیرد، اما در صورت کاهش تولید یا کاهش قیمت نفت، درصدی که به پیمانکار تعلق می‌گیرد کاهش می‌یابد.

درمجموع به‌نظر می‌رسد که ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی عراق در مقایسه با ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی ایران، جذابیت بیشتری برای شرکت‌های بین‌المللی نفتی دارد. این ترتیبات مالی هم ساده‌تر است و پیچیدگی‌های ترتیبات مالی قراردادهای ایران را ندارد و هم پیمانکار را در سود پروژه شریک می‌کند که این امر می‌تواند انگیزهٔ فراوانی برای شرکت‌های بین‌المللی نفتی باشد و در جذب این شرکت‌ها به صنعت نفت و گاز آن کشور تأثیر بسزایی داشته باشد. بنابراین شایسته است که وزارت نفت و کمیتهٔ بازنگری قراردادهای نفتی، در تنظیم مدل جدید قراردادهای نفتی ایران موسوم به IPC به نکات مثبت قراردادهای دیگر کشورها، به‌ویژه ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی عراق، که در این مقاله بررسی شده است، توجه کافی داشته باشند.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، سید نصراله و دیگران (۱۳۹۱)، **انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز**، فصلنامهٔ حقوق، مجلهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دورهٔ ۴۲، ش ۴، ص۱۹-۱.

۲. ابراهیمی، سید نصراله و شیرجیان، محمد (۱۳۹۳)، قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید، فصلنامهٔ اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، ش ۱۰، ص ۳۹-۱.

۳. ابراهیمی، سیدنصراله و شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۸)، اکتشاف و توسعهٔ میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل، ترجمهٔ مجتبی اصغریان، مجلهٔ حقوقی بین‌المللی، نشریهٔ مرکز حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست‌وششم، ش ۴۱، ص۲۶۲-۲۴۳.

۴. اصغریان، مجتبی (۱۳۹۱)، حقوق نفت و گاز در ایالات متحدهٔ آمریکا (قراردادهای اجارهٔ نفت و گاز)، تهران، انتشارات خرسندی.

۵. امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران (۱۳۹۰)، گزیدهٔ قوانین و مقررات حاکم بر صنعت نفت، تهران، انتشارات روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران.

۶. خلیلی، سجاد (۱۳۹۱)، بررسی قراردادهای توسعه و تولید میادین نفت عراق: نمونهٔ موردی میدان

Archive of SID

www.SID.ir

بدرا، ماهنامهٔ اکتشاف و تولید، ش ۹۳، ص ۳۴-۳۰.
۷. درخشان، مسعود (۱۳۹۲)، ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران، فصلنامهٔ علمی- پژوهشی اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، ش ۹، ص ۱۱۳-۵۳.
۸. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، حقوق نفت و گاز، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۹. کاظمی نجف‌آبادی، عباس (۱۳۹۳)، آشنایی با قراردادهای نفتی، تهران، موؤسسهٔ شهر دانش.
۱۰. منصوریان، تالین (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی قراردادهای خدماتی عراق و قراردادهای مشارکت در تولید منطقهٔ کردستان، ماهنامهٔ اکتشاف و تولید نفت و گاز، ش ۱۱۴، ص ۳۱-۲۶.

ب) انگلیسی

11. Blinn, Keith W. (1986), **International Petroleum Exploration & Exploitation Agreements: Legal, Economic and Policy Aspects**, New York, Barros.
12. Bunter, Mike (2003), **The Iranian Buy Back Agreement**, OGEL, Vol. I, Issue 02, pp. 30-39.
13. David, Martyn R. (1996), **Upstream Oil and Gas Agreements**, London, Sweet & Maxwell.
14. Gao, Zhigho (1994), **International Petroleum Contracts**, London, Graham and Tortman LTD.
15. Martin, Timothy (2004), **Model Contracts: a Survey of the Global Petroleum Industry**, Journal of Energy & Natural Resources Law, Vol. 22, No. 3, pp. 281-340.
16. Otman, Waniss (2007), **The Iranian Petroleum Contracts: Past, Present and Future Perspectives**, OGEL, Vol. 5, issue 2, pp. 78-99.
17. Shiravi, Abdolhossein, Ebrahimi, Seyed Nasrollah (2006), **Exploration and Development of Iran's Oilfields through Buyback**, Natural Resources Forum 30, pp.199-206.
18. UNCTC (1387), **Financial and Fiscal Aspects of Petroleum Exploitation**, UNCTC Advisory Studies, UN, Series B, No. 3, pp. 1-120.
19. Van Meurs, Pedro (2009), **Commentary on the Iraq Draft Technical Service Contract**, February 11 [available at: www.OGEL.com].
20. Varzi, Mehdi (1999), **The Need for Acceleration and Opening up of Foreign and Domestic Private Investment in the Iranian Oil and Gas Sector**, The Middle Eastern Economic Survey, Volume XLII, No. 30, London, pp. 140-170.

ج) قرارداد نمونهٔ خدماتی

21. Badra Draft Development and Production Service Contract (“DPSC”) December 24, 2009.

Archive of SID

www.SID.ir